روش قالون

همامی، عباس

ابو موسی،عیسی بن میناء،متولّد 120(1)و متوفّی‏ 205(2)تا 220 می‏باشد.(3)در مدینه زاده شد و همانجا وفات کرد.(4)وی مدرّس زبان و ادبیات‏ عرب بود و در حسن تلاوت سهم به سزایی‏ داشت(5)ولی حدیث وی را برخی زیر سؤال‏ برده‏اند.(6)گفته شده که قالون لقبی رومی بود که نافع‏ به سبب نیکویی تلاوت بدو داد.(7)

1-بجز میان سوره‏های الانفال و براءة که همهء قرّاء سبعه بدون بسملة خوانده‏اند،در میان بقیهء سور بسمله را ذکر می‏کند.(8)

2-در مورد میزان مدّ منفصل،از وی دو روایت شده‏ است:قصر(دو حرکت)و توسّط(چهار حرکت)مانند بلّغ‏ مآ أنزل(9)

3-(م)جمع را-بنابر روایتی-چنانچه پس از آن حرف‏ متحرّکی باشد،مضموم می‏خواند و به آن واوی صله‏ می‏دهد؛مانند ثمّ تذکروا نعمة ربّکم اذا استویتم علیه-ثم‏ (1)-النشر،ج 1،ص 112؛الاعلام،ج 5،ص 110؛معجم القراءات،ج 1، ص 88؛البیان،ص 140 و....

(2)-سراج القارئ المبتدئ،ص 11 و معجم القراءات،ج 1،ص 88.

(3)-النشر،ج 1،ص 112؛البیان،ص 140؛الوافی،ص 17؛الاعلام،ج 5، ص 110؛المستنیر،ج 1،ص 10 و....

(4)-الاعلام،ج 5،ص 110.

(5)-مولی الزهریین و معلّم العربیة(الیسیر،ص 4).

انتهت الیه الرئاسة فی علوم العربیة و القراءة فی زمانه الحجاز(الاعلام، ج 5،ص 110).

(6)-البیان(ص 140)به نقل از لسان المیزان.

(7)-التیسیر،ص 4؛الاعلام،ج 5،ص 110؛النشر،ج 1،ص 112 و....در مورد سنگین بودن گوش و حتی ناشنوایی او و اینکه ربیب نافع(یعنی‏ فرزند همسر وی)بوده نیز سخنانی نقل شده است.

بنگرید به:البیان،ص 140 و معجم القراءات،ج 1،ص 88 و الاعلام،ج 5،ص 110.

(8)-بنگرید به:الف-التیسیر،ص 17 و 18؛ب-الوافی ص 45 و 46؛ج- النشر،ج 1،ص 259-271؛د-سراج القارئ المبتدئ،ص 37-40.

شایسته است که در این مورد به بحث منهج ورش(صحیفهء مبین/8)رجوع گردد.

(9)-بنگرید به:الف-التیسیر،ص 30؛

ب-الوافی،ص 74؛

ج-النشر،ج 1،ص 313-316؛

د-سراج القارئ،ص 68 و 69.

تذکروا نعمة ربّکمو اذا استویتمو علیه.(1)

4-(ذ)را در کلماتی چون(اخذت)و(اتخذتم)در (ت)ادغام می‏کند.

ضمنا در(یلهث ذلک)هر دو وجه ادغام و اظهار از وی‏ روایت شده است.

نیز در مورد(ارکب معنا)هر دو وجه ادغام و اظهار را از وی روایت کرده‏اند ولی در مورد(و یعذّب من یشاء) تنها ادغام از وی روایت شده است.(2)

5-(الف)کلمهء(التورئة)را به تقلیل(اما له بین بین یا صغری)خوانده است.البته بدون تقلیل(و با اخلاص‏ فتح)نیز از وی روایت کرده‏اند.

ضمنا فقط در یک جای قرآن اماله(کبری)دارد و آن‏ در کلمهء هار 9/109 می‏باشد.(3)

6-(ی)ضمیر را چنانچه پیش از همزهء مفتوحه باشد، مفتوح می‏خواند مگر در این موارد:

(فاذکرونی اذکرکم 2/152)،(ذرونی اقتل 40/26)، (ادعونی استجب 40/60)،(أوزعنی أن 27/19 و 46/15).(4)ضمنا چهار مورد نیز به اتّفاق قراء سبعه به‏ اسکان خوانده شده‏اند که عبارتند از:(ارنی انظر 7/143)، (و لا تفتنیّ ألا 9/49)،(فاتّبعنی أهدک 19/43)و (و ترحمنی أکن 11/47)

7-(ی)ضمیر را چنانچه پیش از همزهء مکسوره باشد، مفتوح می‏خواند مگر در مورد(إخوتی إنّ 12/100)که هر دو شکل(سکون و فتح)را ذکر کرده‏اند.

البته چند مورد نیز به اتفاق قراء سبعه به اسکان خوانده‏ شده است از قبیل(أنظرنی الی 7/14).(5)

8-(ی)ضمیر را چنانچه پیش از همزهء مضمومه باشد، مفتوح می‏خواند؛مانند(إنّی أمرت)(6)

9-(ی)ضمیر را چنانچه پیش از(ال)تعریف باشد، مفتوح می‏خواند؛مانند(عهدی الظالمین).(7)

(1)-بنگرید به:الف-التیسیر،ص 19؛

ب-الوافی،ص 51؛

ج-النشر،ج 1،ص 273؛

د-سراج القارئ،ص 42.

(2)-بنگرید به:الف-التیسیر،ص 44 و 45؛

ب-الوافی،ص 137؛

ج-النشر،ج 2،ص 10 تا 16؛

د-سراج القارئ،ص 126 و 127.

لازم به ذکر است که بیشتر راویان چهارده‏گانه

«و یعذب من یشاء»

(بقره/284)را به جزم فعل مضارع خوانده‏اند و قالون از این دسته‏ است.

(3)-بنگرید به:

الف-التیسیر،ص 86 و 120؛

ب-الوافی،ص 230 و 152؛

ج-النشر،ج 2،ص 61 و 57؛

د-سراج القارئ،ص 221 و 142.

(4)-بنگرید به:الف-التیسیر،ص 63-65؛

ب-الوافی،ص 185-187؛

ج-النشر،ج 2،ص 163-167؛

د-سراج القارئ،ص 167-170.

(5)-بنگرید به:الف-التیسیر،ص 65؛

ب-الوافی،ص 188 و 189؛

ج-النشر،ج 2،ص 167-169؛

د-سراج القارئ،ص 171 تا 173؛

هـ-معجم القراءات القرانیة،ج 3،ص 194.

سایر مواردی که قراء سبعه در اسکان آن متفقند،عبارتند از:

(یصدقنی إنّی 28/34)،(فأنظرنی إلی 15/36 و 38/79)،(لولا اخّرتنی‏ إلی 63/10)(فی ذرّیّتی إنّی 46/15)،(یدعوننی إلیه 12/33)، (تدعوننی إلی 40/41)و(تدعوننی الیه 40/43).

(6)-بنگرید به:الف-التیسیر،ص 66؛

ب-الوافی،ص 189؛

ج-النشر،ج 2،ص 169 و 170؛

د-سراج القارئ،ص 173.

(7)-بنگرید به:الف-التیسیر،ص 66 و 67؛

ب-الوافی،ص 189 و 190؛

ج-النشر،ج 2،ص 170؛

د-سراج القارئ،ص 174 و 175.

10-(ی)ضمیر را چنانچه پیش از همزهء وصل باشد، مفتوح می‏خواند مگر در سه مورد:

(إنّی اصطفیتک 7/144)،(أخی اشدد 20/30 و 31)و (یلیتنی اتّخذت 25/27)(1)

11-(ی)ضمیر را چنانچه پیش از حروف دیگر باشد، ساکن می‏خواند مگر در هفت مورد:(بیتی 2/125 و 22/26)،(وجهی 3/20 و 6/79)،(مماتی 6/163)،(مالی‏ 36/22)و(ولی 109/6).(2)

12-(ی)حذف شده در رسم الخط را در بیست مورد تلفّظ می‏کند؛مانند(التّناد)-(التنادی).تفصیل آن را می‏توان در کتب قراءات مشاهده کرد.(3)

13-اگر دو همزه در یک کلمه کنار هم قرار گرفتند،(4) همزهء دومی را تسهیل و میان دو همزه،الفی به مقدار دو حرکت داخل می‏کند مانند(ءأنتم)،(أئنّکم)و (أؤنبّئکم).(5)

14-اگر دو همزهء مفتوح در دو کلمه پشت سر هم قرار گرفتند،همزهء اوّلی را حذف می‏کند مانند(شاء أنشزه)- (شا أنشزه).(6)

15-اگر دو همزهء مسکور یا دو همزهء مضموم در دو کلمه پشت سر هم قرار گرفتند،همزهء اوّلی را تسهیل‏ می‏کند؛مانند(من النساء إلاّ)و(أولیاء أولئک).(7)

16-اگر دو همزه در دو کلمه پشت سر هم قرار گرفتند و حرکت آنها با هم یکی نبود،همزهء دومی را تسهیل‏ می‏کند مانند(و جاء إخوة)،(جاء أمّة)،(السفهاء ألا)،(یشاء إلی)و(من الماء أو).(8)

(1)-بنگرید به:الف-التیسیر،ص 67؛

ب-الوافی،ص 190 و 191؛

ج-النشر،ج 2،ص 171؛

د-سراج القارئ،ص 175.

(2)-بنگرید به:الف-التیسیر،ص 68؛

ب-الوافی،ص 191 و 192؛

ج-النشر،ج 2،ص 171-176؛

د-سراج القارئ،ص 175-177.

(3)-بنگرید به:الف-التیسیر،ص 69 و باب ذکر فرش الحروف؛

ب-الوافی،ص 193-198؛

ج-النشر،ج 2،ص 179-194؛

د-سراج القارئ،ص 177-187.

(4)-باید توجّه داشت که در حقیقت این دو کلمه هستند که یک کلمه به‏ حساب می‏آیند.

(5)-بنگرید به:الف-التیسیر،ص 31 و 32؛

ب-الوافی،ص 84؛

ج-النشر،ج 1،ص 363-381؛

د-سراج القارئ،ص 83-85.

(6)-بنگرید به:الف-التیسیر،ص 33؛

ب-الوافی،ص 92 و 93؛

ج-النشر،ج 1،ص 382-386؛

د-سراج القارئ،ص 86-90.

(7)-همان مأخذ.

(8)-بنگرید به:الف-التیسیر،ص 33 و 34؛

ب-الوافی،ص 95-97؛

ج-النشر،ج 1،ص 386-390؛

د-سراج القارئ،ص 90-92.

لازم به ذکر است که این احکام در هنگام وصل می‏باشد؛زیرا اگر بر کلمهء اوّل وقف شود،دو همزه در کنار هم قرار نخواهند گرفت.

و نیز قابل توجّه است که در اینجا بر سر تسهیل و یا تبدیل به‏ حرف متجانس با حرکت اختلاف است،یعنی هنگامی که همزهء دوم‏ مفتوح و اوّلی مکسور باشد،بعضی دومی را به(ی)تبدیل می‏کنند مانند(من السماء ایة).

و نیز جایی که دومی مفتوح و اوّلی مضموم باشد،برخی دومی را به(و)مبدّل می‏نمایند مانند(نشاء أصبناهم).

و باز وقتی که دومی مکسور و اوّلی مضموم باشد،در برخی از روایات دومی را به(و)تبدیل می‏کنند مانند(من یشاء إلی).در هر صورت همزهء اوّل به تحقیق خوانده می‏شود.